

یادداشت

درباره هدر رفت ۵ میلیارد دلار از بیت‌المال

مسئول «تشویش اذهان عمومی» کیست؟

موضوع این یادداشت ماجرای طول‌ودراز مجموعه‌ای از «رات و فساد اقتصادی» است که نقطه آغازش یک اشتباه استراتژیک در مدیریت اقتصاد کشور بود و حالا بعد از دوسال همچنان پررونده آن باز است و خبری هم از رسیدگی جدی وجود ندارد. ماجرابی که البته از سه‌شنبه گذشته و با انتشار گزارش تفریح‌بودجه سال ۹۷ دوباره موضوع بحث بسیاری از محافل شد.

در گزارش تفریح‌بودجه سال ۱۳۹۷ آمده است که در این سال ۳۱ میلیارد دلار تأمین ارز برای واردات به نرخ دولتی انجام شده که از این مقدار ۱۵ درصد یعنی حدود ۴/۸ میلیارد دلار همچنان بلاتکلیف است، رقمی که معادل درخواست ایران از صندوق بین‌المللی پول برای دریافت وام کمک جهت مبارزه با بیماری کروناست.

در این میان البته نکته جالب این است که با وجود انتشار آمار از سوی یک مرجع رسمی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور کلا ماجرا را تکذیب کرده و از اساس می‌گوید اطلاعات‌وآمار ارائه‌شده از سوی دیوان محاسبات را قبول ندارد و اقدام این دستگاه تشویش اذهان‌عمومی است. این درحالی‌است‌که وی وهکاراتش در دولت، قریب‌به ۲ سال برای ارائه گزارش و رسیدگی به پرورنده‌های یادشده فرصت داشته‌اند.

اما ماجرا از کجا شروع شد؟

از نیمه‌دوم سال ۹۶ و به‌ویژه در نوروز سال ۹۷ ایران وارد بحران جدیدی شد، چالش‌هایی که آمریکا برای اقتصاد ایران ایجاد کرده بود با خواب‌نوروزی بانک مرکزی در تعطیلات فروردین‌ماه تبدیل به یک نابسامانی بزرگ در اقتصاد و بازارهای داخلی شد و لاجرم دولت مجبور به انجام واکنش. اگر خاطراتن باشد ۲۰ فروردین‌ماه، اسحاق جهانگیری ناگهان مقابل دوربین صداوسیما قرار گرفت و سوپرمن‌گونه از یک تصمیم بزرگ یعنی تعیین نرخ دلار در جلسه هیات‌دولت خبر داد. او گفت دولت تصمیم گرفته قیمت دلار تک‌نرخی و معادل ۴۲۰۰ تومان باشد و هرقیمتی به‌غیر از این، خلاف قانون و معامله آن در حکم قاچاق تلقی خواهد شد. همان زمان رسانه‌های نزدیک به دولت از این نقش‌آفرینی تقدیر و ابراز کردند که اقتصاد بالاخره باسلمان شد.

واکنش اول را بازار ارز به این اقدام نشان داد و صرافیی‌ها از فعالیت‌خودداری کردند و لذا چالش تداوم یافت. هم‌زمان هم دولت برای مدیریت فضا اقدام به ارائه ارز دولتی به واردکنندگان به‌همان نرخ ۴۲۰۰ تومان کرد. این وضعیت باعث شد چند ۱۰ میلیارد دلار ارز دولتی از سوی دولت برای واردات کالا تخصیص یابد که خب نتیجه بسیار حداقلی به‌دنبال داشت. نهایتاً اینکه تنها ظرف چند ماه مشخص شد که یک تصمیم اشتباه تا چه میزان می‌تواند اثرات نامطلوبی بر اقتصاد کشور بگذارد؛ از یک‌سو منابع کشور را هدر دهد و از سوی دیگر نه‌تنها نتوانسته مشکل را حل کند که فساد قابل توجهی را هم رقم زده است. در این باره پیش از بیان هرکنته دیگری باید به این مساله اشاره کرد که نتایج این تصمیم آنچهنان نامطلوب بود که بعدها هیچ‌کسی در دولت حاضر نشد مسئولیت اخذ آن را برعهده بگیرد، نه رئیس‌جمهور، نه معاون اول، نه رئیس‌بانک مرکزی و نه… علاوه‌براین، کار به‌جایی رسید که قریب‌به‌اتفاق کسانی که می‌توانستند نقشی در این تصمیم داشته باشند رسماً اعلام کردند که با آن مخالف بوده‌اند و حتی بعدتر کار به افشاکاری درون دولت هم رسید و برای مثال تنها در یک مورد آن حسام‌الدین آشنا در گفت‌وگو با اندیشه‌پویا، اسحاق جهانگیری و نزدیکانش را عامل اصلی این تصمیم معرفی کرد و گفت رئیس‌جمهور باوجود مخالفت، مجبور شده به این سیاست تن دهد.

جنگ با بخش خصوصی!

از سوی دیگر اما مسئولان دولتی باوجود گذشت دو سال همچنان این موضوع را میان خود پاسکاری می‌کنند و ظاهراً هنوز هم بنا ندارند بگویند چه بر سر این میزان ارز دولتی رفته است. بررسی اظهارنظرهای اعضای هیات‌دولت‌گویای این است که از تیرماه همان سال این روند آغاز شده است. زمانی که رئیس‌جمهور صریحاً اعلام کرد از محمد شریعتمداری، وزیر صمت و سیف، رئیس کل بانک مرکزی خواسته است اطلاعات ارزهای تخصیص‌یافته را ارائه کنند. البته در پاسخ به این خواسته، وزیر صمت اعلام کرد که چنین اقدامی جنگ با بخش خصوصی است؛ این وضعیت بلاتکلیف ادامه داشت تا زمانی که رئیس کل بانک مرکزی تغییر کرد. پس از سیف و در زمانی که همتی مسئولیت بانک مرکزی را برعهده گرفت طی نامه رسمی به حسن روحانی، لیست میزان دریافت ارز دولتی توسط دستگاه‌ها را اعلام کرد و گفت وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، بهداشت، درمان‌وآموزش‌پزشکی و صنعت، معدن‌وتجارت که متولی اصلی ثبت سفارش واردات کالا هستند؛ همچنان گزارشی از اقدامات خود ارائه نکرده‌اند. علاوه‌بر این در نامه همتی آمده بود که در قبال بخش مهمی از ارزهای تخصیص داده شده، رفع تعهد نشده است.

پس از این نامه حسن روحانی با طرح این پرسش که «چرا تخلف شده است؟» از وزرای یاد شده خواست که دراین‌باره توضیحات خود را ارائه کنند. این درخواست رئیس‌جمهور طی نامه‌ای در خردادماه سال ۹۸ به سه وزیر یادشده به‌اضافه وزیر کار ارسال شد. نهایتاً اما بازمج کار بی‌نتیجه ماند تا جایی که در مهر ۹۸، رئیس‌جمهور در پاسخ به سوال یکی از رسانه‌ها درباره «بر باد رفتن ۱۸ میلیارد دلار ارز دولتی» بدون اینکه شاهد سندی ارائه کند، گفت که این میزان ارز به مردم داده شده است! این البته درحالی‌بود که محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه برخلاف اظهارنظر رئیس‌جمهور می‌گفت: «باید قبول کنیم که شیوه کنونی پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی درست نیست و این منافع به‌دست مردم نمی‌رسد.»

قوه قضائیه به‌جای دولت وارد میدان شد!

در این میان دستگاه قضا که از مدتی پیش در جریان مفاسد اقتصادی حاصل از تلاطمات ارزی و آشفتگی‌های بازارها به ماجرا ورود کرده بود، نسبت به برگزاری دادگاه برخی از متهمان این ماجرا اقدام کرد. درجریان این اقدام مشخص شد که تعدادی از دریافت‌کنندگان ارز ۴۲۰۰ تومانی اساساً هیچ کالایی وارد نکرده‌اند، برخی نیز کالایی را که با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد کرده بودند، در بازار آزاد و با محاسبه ارز غیردولتی فروخته‌اند. تنها در یک فقره و در جریان برگزاری دادگاه مشخص شد که فردی به‌نام قربانعلی فرخ‌زاد به‌بانه واردات ورق استیل و اقدام دیگر به مبلغ ۴۴۶ میلیون و ۳۳۲ هزار دلار ارز دولتی دریافت کرده و همراه با چهار نفر دیگر ضمن ارتکاب جعل در بازار آزاد به فروش رسانده است. همچنین در یک فقره این فرد موفق به اخذ ۲۰۱ میلیون دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی شده و آن را به مبلغ بالا در بازار فروخته است. یا درجریان دادگاه دیگری فردی به‌نام یوسف جنت‌مکان به‌همراه کوروش مر، محمدرضا اخوت‌فرد، علی زرنانی، عظیم‌علی اشرفی‌پیمان و شرکت طرح‌ونقشه پناهی به اتهام مشارکت در اخلاف در نظام ارزی به‌صورت عمده از طریق فروش ارز دولتی در بازار آزاد به مبلغ ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار دلار به‌صورت غیرقانونی و کسب منفعت به میزان ۹۶ میلیارد تومان محاکمه شدند. حالا اما با توجه به اعلام نظر دیوان محاسبات که روز پنجشنبه در اطلاعیه‌ای تأکید کرد همه اطلاعات گیرندگان ارز موجود است، و با مدنظر قرار دادن اینکه بعد از گذشته ۲ سال دولت همچنان بنای پیگیری ماجرا را ندارد، به‌نظر می‌رسد که تنها راه تعیین‌تکلیف این چند میلیارد دلار، ورود دستگاه قضا و پیگیری ماجراست.

سیاست

راه‌خ

مجموع شرایط سیاسی و امنیتی غرب آسیا و داخل آمریکا نشان می دهد تنها راه باقی مانده برای ایالات متحده خروج از منطقه است

مریم عاقلی
<div>روزنامه‌نگار</div>

فرماندهی مرکزی نیروهای آمریکایی در منطقه موسوم به «سنتکام» چهارشنبه گذشته مدعی شد ۱۱ فروند شناور نظامی ایران به کشتی‌های نظامی آمریکایی نزدیک شده و برای آنها ایجاد مزاحمت کرده‌اند. ساعاتی بعد تصاویر منتشره توسط آمریکایی‌ها نشان می داد که قایق های سپاه، اطراف شناور آمریکایی را که در خلیج فارس بود، احاطه کرده‌اند.

ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بیانیه خود اعلام کرده بود یکی از شناورهای ایرانی تا فاصله ۹ متری یکی از کشتی‌های گارد ساحلی آمریکا پیش رفته است و کشتی‌های نظامی آمریکا بارها به شناورهای ایرانی اخطار دادند، اما شناورهای ایرانی تا یک ساعت توجهی به این اخطارها نکردند. در متن منتشر شده از سوی آمریکایی‌ها آمده‌قایق‌های سپاه پاسداران ایران در خلیج‌فارس مانورهای «خطرناک» و «آزاردهنده‌ای» در نزدیکی کشتی‌های آمریکایی انجام داده‌اند.

ماجرا از چه قرار است؟

بعد از شهادت سرلشکر سلیمانی و ابومهدی المهندس در فرودگاه بغداد که منجر به هدف قرار گرفتن پایگاه عین‌الاندلس محل حضور نظامیان آمریکایی از سوی نیروهای سپاه پاسداران شد، تقابل مستقیمی میان نیروهای دو کشور در منطقه رخ نداده بود تا اینکه از یکی دو هفته پیش و بعد از آنکه چند درگیری محدود میان نیروهای آمریکایی و یگان‌های حشدالشعبی در عراق رخ داد، رسانه‌ها به تحركات گسترده نظامیان آمریکایی در منطقه خبر دادند. این اخبار گویای انتقال ادوات مختلف از کشورهای منطقه به خاک عراق بود. علاوه بر این تحركات ترویرست‌های آمریکایی در آب‌های خلیج‌فارس نیز افزایش یافت تا جایی که اعلام شد نیروی دریایی آمریکا در آب‌های خلیج‌فارس اقدام به برگزاری مانورهای نظامی و حتی شبیه‌سازی درگیری با نیروهای سپاه در خلیج‌فارس کرده است.

در جریان این مانورها که همراه با افزایش گشت‌زنی ناوها و کشتی‌های آمریکایی در آب‌های منطقه بود، شناورهایی چون USS Firebolt و USS Sirocco از نیروی دریایی و کشتی‌های سبک‌USCGC Maui و USCGC Wrangell در گارد ساحلی آمریکا در مسیر تردد کشتی‌ها و آب‌های

یادداشت

سنجش «آستانه تحمل» در خلیج فارس

اگر تروریست‌های آمریکایی ناراحتند از خلیج فارس بروند

کنند و محدودیتی در بعد نظامی وجود ندارد، اما هیچ‌یک از آنها چنین دستوری نداشته‌اند بنابراین اینکه اتفاقی نیفتاده به معنای عدم توانمندی طرفین نیست بلکه به معنای اتخاذ تصمیمی است که طرفین در آن لحظه اجازه شلیک نداشته‌اند. نکته قابل دیگر بحث «آستانه تحمل» است که در حال حاضر دو طرف آستانه تحمل یکدیگر را می‌سنجند و اگر قایق‌های ایرانی به کشتی آمریکایی نزدیک شدند به نوعی برای تست آستانه تحمل آمریکا بوده است. به هرحال به نظر می‌رسد نیروی نظامی آمریکا علاقه‌ای به درگیری نظامی مستقیم با ایران ندارد اما افرادی در واشنگتن به درگیری مستقیم با ایران علاقه‌مند هستند و دلیل آن این است که آنها طرفدار رژیم صهیونیستی بوده و از این رژیم خطم می‌گیرند و دغدغه منافع آمریکا را نیز ندارند.

در حال حاضر در هیات حاکمه آمریکا ما شاهد اختلاف درباره «درگیری نظامی با ایران» هستیم و برخی از طرف‌های آمریکایی قائل به این اتفاق هستند، آنها اگر احساس کنند حمله نظامی به ایران هزینه‌نادارد یا هزینه کمی خواهد داشت، از آنجایی که آنها هیچ محدودیت اخلاقی ندارند، این اتفاق خواهد افتاد اما برای اینکه مطمئن شویم چنین اتفاقی نمی‌افتد باید بدانیم صحبت از مذاکره کنند ممکن است بحث مذاکره این ذهنیت را در طرف آمریکایی ایجاد کند که ایران اهل پاس‌سخگویی به حمله نظامی نیست و طبیعتاً حمله نظامی صورت می‌گیرد. بنابراین برداشتی که ما در طرف آمریکایی ایجاد می‌کنیم بسیار مهم است و به دو نکته یعنی اینکه ایران توانمندی نظامی بالایی دارد و نکته دوم اینکه اگر به ایران تعرض بشود قطعاً از این توانمندی استفاده خواهد کرد، بازمی‌گردد. به عنوان جمع بندی می‌باید توجه داشت، ایران هیچ کار غیرقانونی‌ای در خلیج‌فارس انجام نداده است بلکه صرفاً برای کشتی‌های مزارع‌آمریکایی مزاحمت ایجاد کرده‌است و اگر طرف آمریکایی از این نوع عملیات و اقدامات خوشش نمی‌آید بهتر است وارد خلیج‌فارس نشود چرا که آب‌های خلیج‌فارس جایی نیست که پذیرای نیروهای تروریستی آمریکایی باشد.

شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۹ شماره ۳۰۱۶

۲

سرو



مایک پمپئو، وزیر امورخارجه آمریکا در این‌باره گفته است: «در حال ارزیابی این هستیم که چگونه به بهترین شکل

پاسخ داده و نارضایتی خود را درباره اتفاقی که رخ داد، منتقل کنیم.» علاوه بر این وزیر دفاع این کشور نیز پس از اتفاق چهارشنبه گذشته نوشت که شرایط کاملاً معمولی و عادی است.

با کنار هم قرار دادن این دو اظهارنظر و البته تجربه‌ای که آمریکا چندی پیش و در ماجرای عین‌الاندس به‌دست آورد باید گفت که به احتمال فراوان آمریکایی‌ها پیام ایران را به خوبی دریافت کرده‌اند و قهیمده‌اند که در صورت هرگونه اقدامی، پاسخی درخور داده خواهد شد. اما سوال اینجاست که آیا

تحركات آنها با این وصف پایان خواهد یافت؟

در جواب باید بگوییم که پاسخ صحیح و قطعی این سوال چیزی نیست جز توصیف سرنوشتی که برای منطقه رقم خواهد خورد، به این معنا که با مصوبه‌ای که پارلمان عراق درباره خروج نظامیان این کشور گذرانده است و حالا عزم راسخی که ایران برای اخراج آمریکا از منطقه پیدا کرده حتما مراحل جدیدی از چالش‌ها آغاز شده است و در این مسیر آمریکا باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای خود باقی مانده و به درگیری با ملت‌های منطقه ادامه دهد یا اینکه ترجیح می‌دهد منافع خود را در جایی دیگر دنبال کند. «فرهیختگان» در شماره امروز خود و در گفت‌وگو با دن‌تن از کارشناسان سیاست خارجی همین مساله را مورد بررسی قرار داده است.

گفت‌وگو

دیاکوحسینی:

تنه‌اراه آمریکا خروج از منطقه است

به تأمین امنیت منطقه کمک نمی‌کند.»

این کارشناس مسائل استراتژیک درعین‌حال خاطرنشان کرد: «تا زمان خروج کامل آمریکا از منطقه آنها ناگزیر هستند به‌سمت به‌رسیمت شناختن ایران از تعهد به مقرراتی که مانع از این حوادث ناخواسته می‌شود، حرکت کنند.»

حسینی درباره اظهارات وزیر خارجه آمریکا مبنی بر اینکه «ما بررسی خواهیم کرد چه واکنشی درباره اتفاقات اخیر بهتر خواهد بود»، گفت: «آمریکا حداقل در دولت ترامپ بارها اعلام کرده که دچار توهم و فهم غلط درباره توانایی خود ایران است وتحلیل اشتباهی از صورت‌بندی موضوعات دارد.»

تور سردار سلیمانی موید فهم غلط آمریکا از غرب آسیا و خلیج‌فارس است

به گفته وی یکی از برجسته‌ترین شواهد مبنی‌بر تحلیل‌های غلط طرف آمریکایی از مناسبات منطقه، تور سردار سلیمانی به منظور ایجاد بازدارندگی بود، درحالی‌که این تور منجر به افزایش عدم امنیت آنها در عراق و خارج از این کشور شد.

حسینی همچنین تصریح کرد: «ریشه ناامنی آمریکا در منطقه این نیست که ایران به‌دنبال در سرفرآفرینی است، بلکه به این دلیل است که مردم غرب آسیا احساس می‌کنند تحت اشغال و زورگویی آمریکا قرار دارند و علی‌القاعده به واکنش‌های خود علیه آمریکا ادامه خواهند داد، لذا چنین ترورهای غیرقانونی‌ای هم کمکی به آمریکا برای تأمین امنیت بیشتر نخواهد کرد.»

این کارشناس مسائل استراتژیک یادآور شد: «صحت‌های اخیر پمپئو در ادامه فهم نادرست آمریکا از وضعیت منطقه است و من احتمال می‌دهم آنها همچنان این اشتباهات را مرتکب شده و اوضاع را خراب‌تر از گذشته کنند.»

وی در عین حال تأکید کرد: «پیشگیری از این اتفاق بستگی به عقلانیتی دارد که جلوی تندرهای بی‌تجربه آمریکا را بگیرد و آنها را مجاب به خروج از منطقه کند.»

این اقدام چشم پوشی نمی‌کنند و برهه کوتنی هم از این قاعده مستثنا نیست.

دوم: اصل اثبات شده دوم این است که آمریکا هرگاه احساس کند ایران با چالشی درونی روبه‌رو شده که قدرت بازدارندگی آن را تحت‌الشعاع قرار داده و یا حداقل امکان پاسخ‌نیروهای مسلح به تحركات آمریکا در منطقه را کاهش داده است، حتما به این فکر فرو خواهد رفت که اکنون موقع عملیات است، چنان که بعد از وقایع آبان و آذرماه گذشته بود که سردار سلیمانی در عراق ترور شد. حالا هم با بروز بحران کرونا بعید نیست که آنها در فکر ضربه زدن به ایران افتاده باشند.

سوم: با مدنظر قرار دادن این دو مساله، می‌توان به همان تئوری اصولی دفاع از حاکمیت و منافع ملی یعنی اصل بازدارندگی رجوع کرد که نه‌تنها در ایران بلکه در قریب به اتفاق کشورها مورد استفاده است. بازدارندگی به معنای این است که یک کشور آن قدر قوی باشد و البته به‌گونه‌ای رفتار کند که دشمنان فکر تجاوز و تعدی به منافع ملی آن را از سر بیرون کنند. لذا باید گفت برهمنین اساس اقدام سپاه در مواجهه با شناورهای آمریکایی در منطقه هم به لحاظ تئوریک‌وهم به‌لحاظ تجربه‌تاریخی کاملاًتوجیه‌پذیر است. در این میان اما پاسخ به یک سوال مهم به‌نظر می‌رسد و آن این است که آیا آمریکایی‌ها واکنشی به این اقدام ایران خواهند داشت یا خیر؟ برای پاسخ به این موضوع باید به موضع‌گیری مقامات آمریکایی رجوع کرد.